گفت‌وگوی صریح با عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی

می‌خواستند نظام را سکولار کنند

[علیرضا معادی]

دکتر حسین کچوئیان مدیر گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگویی ضمن اشاره به وقایع اخیر پس از انتخابات و تحلیل دلایل و زمینه‌های به‌وقوع پیوستن آن، به ارائه پیشنهاداتی در رابطه با چگونگی ایجاد وحدت و لوازم آن در جامعه پرداخت.

کچوییان با بیان این که اختلاف نظر بین جریان‌های مختلف سیاسی کشور از زمان تعیین نماینده در مجاهدین انقلاب اسلامی توسط امام و نزاع‌های مربوط به‌بند «ج»، اصلاحات ارضی و... وجود داشته و مخصوص امروز نیست، گفت: از سال ۶۰-۶۱ که کشور به یک ثبات سیاسی رسید، این اختلافات تدریجاً حادتر شد. به نحوی که به صدور منشور برادری منجر گشت. بستر کلی بحث از یک فرض یا حقیقت کلی ناشی می‌شد، با توجه به این نگاه دینی که در هر زمینه‌ای یک حق بیشتر وجود ندارد و نمی‌شود حقایق متعدد و متکثر وجود داشته باشد، ممکن است که زمینه به تکثر آرا و جریان‌های سیاسی مختلف داده نشود. در آن دوران این طرز نگاه منشأ این می‌شد که طرفین قضیه یکدیگر را به امور مختلفی متهم کنند. یک طرف به دیگری می‌گفت اسلام ارتجاعی و امریکایی و طرف مقابل هم می‌گفت شما مارکسیست هستید، مسلمان درست و حسابی نیستید و با اتهاماتی از این قبیل یکدیگر را رد می‌کردند. حضرت امام در این شرایط، به این موضوع اجازه می‌دهند که دو جریان سیاسی در درون روحانیت ایجاد شود و در نقطه اوج قضیه منشور برادری را صادر کردند که در آن، ضمن ابراز دلایل خودشان چارچوبی را طرح کردند که اختلافات و تعارض‌ها در عین حال که جنبه درون سیستمی داشته باشد، نزاع کفر وایمان محسوب نشود و دو جریان بتوانند، درون نظام اسلامی با یکدیگر رقابت کنند.

وی با بیان نکته‌ای که امام در آن نامه متذکر می‌شوند، ادامه داد: قضیه تفاوت نظر و تفاوت مشرب همیشه در بین مراجع اسلام وجود داشته است. بر این اساس ایشان یک چارچوبی را تعیین می‌کنند و وحدت را در این چارچوب می‌دانند. در صورتی که این حالت وجود داشته باشد، می‌توان گفت وحدت وجود دارد و اختلافات مضر نیست. در واقع اختلافات را به اختلافات سیاسی تقلیل می‌دهند و همه این جریان‌های مختلف را معتقد به اصول کلی می‌دانند و کلیاتی را برمی شمارند که در صورت اعتقاد به این کلیات است که وحدت محقق می‌شود و مابقی اختلافات را در جزئیات می‌دانند.

کچوییان در ادامه افزود: اگر مبنا را این بیان حضرت امام بدانیم، در جایی که طرفین این چارچوب‌های اصلی سیستم و نظام را بپذیرند ما هم با وحدت مواجه می‌شویم و اختلافات موجود مضر نخواهد بود. اگر گروه‌های سیاسی که در جامعه هستند، این عناصر اصلی یعنی قانون اساسی، ولایت فقیه و اسلام که سیستم را تعریف می‌کند، قبول داشته باشند و اختلافات در روش اداره کشور در چارچوب این اصول باشد، می‌توان گفت که با وحدت روبه‌رو هستیم. امام با بیان کلی تری بیان می‌کنند که همه به کشور و نظام علاقه دارند و طرفدار نظام اسلامی هستند و.... این‌ها همه جنبه‌های مختلفی است که در آن پیام بر آن تأکید می‌شود.

وی تصریح کرد: طبق بیان امام در این پیام، تا وقتی که اختلافات در محدوده مسائل فقهی باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود و اختلافات موجود را اختلافات سیاسی می‌دانند که اختلاف عقیدتی نیست. بدین ترتیب آنجایی که اختلافات عقیدتی می‌شود، مرز میان اختلافات مورد قبول و اختلافاتی است که منجر به تفرق می‌شود. یعنی اگر به لحاظ اعتقادی با گروهی اختلاف داریم، نمی‌توان با آن به وحدت رسید. فراتر از اختلافات عقیدتی هر اختلافی که سیاسی باشد، اختلافی نیست که مضر باشد. امام در دنباله فرامینشان از اصولی نام می‌برند، که این‌ها را به عنوان اصول درون نظام و وحدت می‌توان نام برد. یکی این که نسبت به اسلام و انقلاب و قرآن وفادار باشند و دلشان برای کشور و مردم بسوزد. یعنی اگر جریان‌ها بر سر این‌ها اتفاق کنند، می‌توانند به وحدت برسند و اختلاف بر سر نحوه اداره کشور است، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

این استاد دانشگاه تهران با بیان این که وجود این اختلافات، اختصاص به سیستم ما ندارد، اظهار داشت: یک برداشت‌های غلطی در کشور ایجاد شده که ناشی از بازخوانی‌های غلط نظریات رهبری است که منشأ برخی ابهامات شده. اولاً که یک سیستم (حتی بی‌هویت ترین آنها مثل نظام لیبرال) نمی‌تواند همه افکار و اندیشه‌ها را در خود جای بدهد. اصولاً هر سیستمی یک محدودیت‌های مرزی دارد و ما باید فرض را بر این بگذاریم که به طور کلی یک جریان‌ها و نیروهایی را نمی‌تواند درون خود جای دهد. به این معنا نمی‌توان با آن جریان‌های بیرون سیستم وحدت کرد و رابطه کاری با آن داشت و شاید حتی استفاده تاکتیکی هم از آنها مجاز نباشد. چون نیروهای بیرون سیستمی، نیروهایی هستند که خواهان تخریب سیستم هستند و می‌خواهند که سیستم را از بین ببرند. بنابراین اگر با آنها همکاری کنید، حتی به صورت کوتاه مدت و موردی هم خلاف اصول سیستم عمل کردید. اما چیزی که بین سیستم‌ها تفاوت ایجاد می‌کند، مرز سیستم هاست. باید دید که در یک سیستم اسلامی مرزها کجاست؟

این مرزها را برای این می‌خواهیم که ببینیم جریان‌های مختلفی که درون این سیستم می‌توانند قرار بگیرند کدامند و جریان‌های خارج از این سیستم را هم بشناسیم. اگر جریان‌های درون سیستم را شناختیم، این جریانات علی‌الاصل تا زمانی که درون این چارچوب سیستمی عمل می‌کنند، می‌توانند با هم وحدت داشته باشند. یعنی تضادها و نزاع هایشان به سمتی سوق نمی‌کند که سیستم را تخریب کند. اختلافاتی مخل وحدت هستند که منجر به تخریب سیستم می‌شود.

کچوییان در ادامه گفت: به نظر من امام در این نامه شاید در مقام بیان تفصیلی مسئله نبودند چون بحثی را در بالا مطرح می‌کنند که موارد کثیری را در برمی گیرد و می‌گویند که این اختلافاتی است که در گذشته بوده و اکنون هم هست که یکی از آنها برخورد با کفر و شرک است. از نظر امام در اینجا حدود مسائلی که باب اجتهاد در مورد آن باز است و می‌تواند محل اختلاف باشد، ذکر می‌شود.

وی افزود: اگر مبنا این فهرستی باشد که امام مطرح می‌کنند، در یک معنای خیلی کلی اسلام مرز وحدت است. یعنی هر کسی که به اسلام معتقد است، درون سیستم قرار دارد و می‌شود با آنها وحدت کرد. با این وصف در مورد همه موارد ذکر شده می‌شود اختلاف کرد. در مورد حدود ولایت و نحوه تعامل با بلاد شرک و کفر هم می‌توان اختلاف کرد. به این ترتیب دایره وحدت خیلی وسیع می‌شود. اگر مطلب را این طور در نظر بگیریم که ظاهر پیام امام هم این طور است که نفس اعتقاد به اسلام، زمینه می‌دهد که جریان‌های مختلف بتوانند درون سیستم فعالیت کنند.

شما نمی‌توانید با ابزارهای یک سیستمی به قدرت برسید و بگویید یا تقلب یا پیروزی! ما از افغان‌ها هم کمتریم که وقتی عبدالله عبدالله با کرزای اختلاف دارد، به طرفدارانش می‌گوید که بیرون نیایید

ولی ما می‌دانیم که مثلاً در مورد نهضت آزادی، حضرت امام بیان بسیار روشنی دارند و آنها را از حضور درون حکومت منع می‌کنند. چون آنها می‌خواهند کشور را به امریکا تسلیم کنند و در واقع در مقولاتی آنها را مورد شماتت قرار می‌دهند که بر اساس گفته خود امام در این منشور می‌تواند جزو امور اختلافی باشد. به این ترتیب باید گفت با وجود اینکه از نظر امام مرز وحدت بسیار باز است اما در عمل موارد متفاوتی را از ایشان دیده‌ایم که باید تعبیر و تفسیر شود. همه بحث امام را نمی‌توان بر اساس این منشور بنا کرد لذا من خیلی سر این منشور نمی‌مانم.

وی با بررسی این که جریان‌های اجتماعی مختلف تا چه حد درون سیستمی هستند و در خط نظام و کشور و جامعه قرار دارند و چقدر از این حدود بیرون می‌روند و در نتیجه جریان‌های درون سیستمی نمی‌توانند با آنها کار کنند، گفت: به نظر من سه عنصری که اول ذکر کردم، یکی که به طور طبیعی اسلام است. ولی نه در معنای موسعش. مثلاً قطعاً می‌دانم که مجاهدین خلق را که ادعای اسلام دارند، امام درون سیستم نمی‌پذیرند. خیلی از جریان‌ها هم ادعای اسلام دارند. آیا حضرت امام رویه و شیوه شان این بود که آنها را هم جزو مسلمین و نظام اسلامی بدانند و اجازه دهند که با آنها هم وحدت و تعامل شود؟ ما می‌دانیم که این طور نیست. بنابراین اسلام مرز بسیار کلی است، که بین کسانی که اصلاً معتقد نیستند و کسانی که معتقدند مرز می‌گذارد. یک عده‌ای هستند که سکولار و ضد دین هستند. در عین حال بین سکولارها هم یک عده ای، به شکلهای دیگری اسلام را به طور شخصی می‌پذیرند. در هر صورت ما می‌دانیم که این فهم از اسلام، فهمی نبوده که مد نظر قرآن، حضرت رسول، ائمه، و امام باشد. من نیز معتقدم اسلامی که به طور مشخص انقلاب را پایه‌ریزی کرد و این نظام را تأسیس کرد، اسلامی است که تفسیرش را حضرت امام و علمای حوزوی می‌دهند. یکی از موارد اختلاف جدی بین جریان‌های مختلف اجتماعی از اول انقلاب بر سر همین بوده که کدام اسلام؟ اسلامی که هر کسی بتواند ادعای آن را بکند و مدعی تفسیرش باشد و احکامش را بیان کند یا اسلامی که یک سنت مشخصی آن را به پیامبر اسلام وصل می‌کند. اسلامی که علمای حوزوی آن را آورده‌اند و در این دوره اخیر به طور مشخص حضرت امام. پس یکی از شاخص‌های مهم دیگر، خود حضرت امام هستند و آنچه که بیان کرده‌اند. البته در کلیات چراکه در جزئیات اختلاف زیادی وجود دارد ولی در این که یکی از منابع تفسیری یا فهم و تصمیم گیری ما امام است شکی نیست.

وی در ادامه افزود: کما این که وقتی اسلام را مرز قرار می‌دهیم، اسلام شیعی مد نظر است. پس اول اسلام با آن تفسیر فقهی - شیعی و بعد خود حضرت امام، و بعد قانون اساسی و بعد رهبری موجود است. در واقع این‌ها بنیادها و اصولی هستند که مبنای فعالیت درون سیستم و بیرون سیستمی ما را مشخص می‌کنند و همه جریان‌هایی که درون سیستم فعالیت می‌کنند باید این اصول را بپذیرند. البته ممکن است کسانی که درون سیستم هستند و این چارچوب‌ها را قبول می‌کنند، تفسیرهای متفاوتی از این موارد داشته باشند اما نظراً این چهار اصل، مبنایی است که لازم است تا تمام گروههای اجتماعی درون نظام بر سر آن اتفاق کنند و به عنوان حدود فعالیت‌های خودشان تعیین کنند.

وی در تعریف وحدت گفت: وحدت به این معنا که همه با هم یک جور حرکت کنند، موضوعیت ندارد. در واقع ما در اینجا حدودی را تعریف می‌کنیم که درون این محدوده عملاً همه با هم وحدت دارند. هر چند که اختلافاتی وجود داشته باشد. در عمل به بیان حضرت امام همه اینها به دنبال اعتلای اسلام و نظام و کشور و پیشرفت جامعه هستند، حالا هر گروهی بر اساس سلیقه خود، این کار را دنبال می‌کند. امام هم بیان می‌کند که اینها اختلافشان بر سر این است که چگونه به این اهداف برسند و اختلاف بر سر شیوه است. مثلاً یکی می‌گوید طرح یارانه‌ها را اجرا کنیم یا نه، دیگری بر سر خصوصی‌سازی اختلاف دارد و...

اینها تا زمانی که با آن چهار اصل تزاحم پیدا نکند، قابل قبول است. مثلاً در بحث اقتصاد، اصولی مثل اصل مالکیت هست که جزو اصول متفق علیه است. بر سر این اصول نمی‌توان اختلاف کرد. یا اینکه بگویند اسلام را قبول داریم ولی در مسائل فرعی بر سر چنین اصلی اختلاف کنند، قابل قبول نیست. به طور مثال حجاب که به نوعی یک موضوع فرعی در اسلام است. اما از آنجا که این مسئله‌ای است که جزو ضروریات اسلام است شما به عنوان یک جریان سیاسی نمی‌توانید آن را نفی کنید. ممکن است در مورد نحوه اجرا و شیوه‌های تحقق آن در جامعه اختلافاتی داشته باشید ولی در مورد اصل آن نمی‌توانید اختلاف کنید چراکه ناظر به اصل اسلام است. بنابراین به نظر من این چارچوب‌های کلی است که می‌توان بر سر آنها به وحدت رسید.

کچوییان در ادامه افزود: در سال‌های ۷۶ تا ۸۴ دقیقاً بر سر همین موارد اصلی نزاع بوده‌است. عده‌ای امروز به صراحت اظهار می‌کنند (با اینکه در آن روزها صراحتاً نمی گفتند) که معتقد به سکولاریسم هستند. کسی نمی‌تواند به سکولاریسم معتقد باشد و درون سیستم باشد. این جزو همان اصولی است که در رابطه با آن صحبت کردیم. یک موقع کسی در مورد رابطه با امریکا اختلاف می‌کند، خب این جزو مسائل سیاسی قابل بحث است. اما در مورد اسرائیل که یک خط قرمز سیاسی است یا بر سر ولایت فقیه و... نمی‌توان اختلاف کرد. در این سال‌ها عمده اختلاف بر سر همین اصول بوده که اصول سیستمی است. در آن دوره، رهبری همه این جریان‌ها را خواستند و به آنها یک نکته بیشتر نگفتند. گفتند خط و مرز خود را با جریان‌های بیرون سیستم مشخص کنید که آنها تا همین الآن هم این را مشخص نکردند. این موضوع مورد درخواست درباره جریانات بعد از انتخابات هم هست. اگر با جریانات بیرون سیستمی که به هیچ چیز معتقد نیستند و علناً و آشکارا از معترضین انتخابات حمایت می‌کنند، آن نامه‌ها را به اوباما می‌نویسند و آن حرف‌ها را می‌زنند، تعیین مرز نکنند، در واقع بر سر همان چهار اصل دعوا دارند. یکی از خصوصیات اعتقاد به قانون اساسی این است. آدمی که فعالیت سیستمی می‌کند و به قانون اساسی اعتقاد دارد، کاری ندارد که شورای نگهبان کیست. من هستم یا شما، حسن است یا حسین! شورای نگهبان مطابق قانون اساسی مرجعیت دارد. آن آدمی که بر سر این که چون فلانی هست در شورای نگهبان، دعوا می‌کند، یا بر سر این که چه کسی ولی‌فقیه است دعوا می‌کند و در نتیجه حکم ولی فقیه و شورای نگهبان را نمی‌پذیرد، در واقع آن چهار اصل را قبول نکرده است. قبول قانون اساسی یعنی قبول نهادها نه قبول افراد و آدم ها. البته این به معنای منع تلاش سیاسی قانونی برای مثلاً تغییر اعضای شورای نگهبان نیست که در زمان امام(ره) هم انجام می‌شد الآن

جریان‌هایی که الآن ادعای حذف شدن دارند، از سال ۷۶ تا ۸۴ با اصول سیستمی مخالفت کردند یعنی می‌خواستند نظام را سکولار کنند، ولایت فقیه را قبول نداشتند

هم ممکن است.

وی گفت: فرق آدم‌های درون سیستمی با بیرون سیستمی چیست؟ آدمی که درون سیستمی است، در مقابل حکم قوه قضائیه که یک عده‌ای را محکوم می‌کند، حداقل به طور علنی نمی‌رود به کسانی که حکم گرفته اند، جایزه بدهد و برایشان مراسم بگذارد و.... این قوه مرجعیت دارد. همین الآن در فرانسه، شارل پاسکوآ یا پسر میتران را به دلیل فساد گرفته‌اند. اگر شما دیدید که در کل این سیستم‌ها، یک کسی از آدم‌های سیستم، مهم‌ترین و نزدیک‌ترین افراد یکی از این جریان‌های سیاسی را محکوم کنند و آنها یک کلمه حرف بزنند! این اعتراض‌ها فعالیت‌های ضد سیستمی است. شما وقتی یک سیستم را قبول می‌کنید، یعنی نهادهای آن سیستم را قبول می‌کنید نه افراد را. فردا ممکن است شما در این نهادها باشید. افرادی که سیستم‌ها را به اعتبار آدمها قبول می‌کنند نمی‌توانند با یکدیگر کار کنند چون این دقیقاً محل نزاع می‌شود. چرا؟ چون اگر من در آن نهاد باشم شما می‌گویید که فلانی آنجاست و من شورای نگهبان را قبول ندارم و اگر فردا شما در آنجا باشید من می‌گویم که فلانی آنجاست و من شورای نگهبان را قبول ندارم! در واقع دیگر سیستمی وجود ندارد و این افراد هستند که وجود دارند. به بیان دیگر این نزاع در نهایت به نزاع ضد سیستمی می‌کشد.

کچوییان ادامه داد: همین جریان‌هایی که می‌گویید دارند حذفشان می‌کنند، از سال ۷۶ تا ۸۴ با اصول سیستمی مخالفت کردند. یعنی می‌خواستند نظام را سکولار کنند، ولایت فقیه را قبول نداشتند. کارهای عجیب و غریبی کردند. به جریان‌های ضد سیستمی بها دادند و بعد با آنها همکاری کردند. اینها اصلاً آن اصول را قبول نداشتند. دعوا بر سر اصول است والا اگر بر سر این اصول نبود امروز با این چیزی که مواجهیم، مواجه نمی‌شدیم. کسی نخواسته کسانی را که اصول را زیر پا نمی‌گذارند، حذف کند. یک موقع کسی را بر سر اختلاف نظر درباره رابطه با امریکا حذف می‌کنند، بله این غلط است چرا که این یک نزاع سیاسی است و می‌توان در آن اختلاف نظر داشت اما این نوع دعواها بر سر اصول است.

من از افرادی بودم که تا سال ۷۶ جزو جناح چپ بودم. وقتی در سال ۷۶ اعمال و رفتار این مجموعه را دیدم از آنها جدا شدم. برای این که آنها را ضد سیستمی دیدم. برای اینکه دیدم همه سیستم را دارند زیر سؤال می‌برند. معنا ندارد که شما از پله‌های یک سیستم بالا بروید و آخرش که رئیس جمهور شدی بگویید که قدرتم کم است. مگر قبلش نمی‌دانستید. حالا که رئیس جمهور شدید متوجه شدید که قدرت رئیس‌جمهور کم است؟ می‌خواستید نیایید. الآن هم راه دارد. اگر اعتراضی دارید، باید به صورت سیستمی پیگیری کنید. حتی اگر بخواهید مصداق رهبری کشور را عوض کنید باز هم راه دارد. هر چند کاری است که معمولاً خیلی دشوار است ولی ممکن است. اما با روش فشار از پائین، چانه زنی از بالا قطعاً کاری ضد سیستمی است.

وی افزود: به دلیل همین برخوردهای ضد سیستمی بود که قضایا به اینجا رسید. رهبری خیلی تلاش کردند که بین جریان‌های مختلف، آن جریان را در سیستم نگه دارند، ولی آن جریان، خیلی ضد سیستمی بود. ببینید جریان چقدر ضد سیستمی بود که وارد مجلس می‌شود می‌رود بعد تحصن می‌کند. این کجا اعتقاد به قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی است؟ مگر در وظایف مجلس تعریف شده که نمایندگان مجلس برای انجام وظایفشان تحصن کنند؟ تحصن در اینجا عملی بیرون سیستمی است. کسانی که بخواهند سیستمی را عوض کنند مدام از این کارها می‌کنند. آن سال‌ها همه‌اش همین طور بود والا کسی نمی‌خواهد و نمی‌خواسته که کسی را کنار بگذارد، شما نمی‌توانید با ابزارهای یک سیستمی به قدرت

من از افرادی بودم که تا سال ۷۶ جزو جناح چپ بودم. وقتی در سال ۷۶ رفتار این مجموعه را دیدم از آنها جدا شدم. برای این که آنها را ضد سیستمی دیدم. دیدم همه سیستم را دارند زیر سؤال می‌برند

برسید و بگویید یا تقلب یا پیروزی! اینها اعمال ضد سیستمی است. در این سالها همیشه دعوا بر سر همین چند اصل اساسی و سیستمی بوده است. کچوئیان با بیان اینکه از ۷۶ به بعد دقیقاً نزاع بر سر اصول بوده است، گفت: یعنی کسانی که در آن جریان به قدرت رسیدند، نزاع داشتند. این افراد نمی‌توانند درون سیستم کار کنند. مثلاً آقای مهندس موسوی که ما بسیار ارادت داشته‌ایم به ایشان، کاری که کردند ضد سیستمی است. شما نمی‌توانید بگویید قانون را قبول دارم ولی شورای نگهبان را قبول ندارم. مطابق قانون اساسی شورای نگهبان مرجع است. شما اگر اشکال دارید باید وسط انتخابات یا قبل از انتخابات می‌رفتید بیرون. شما می‌گویید ماده ۱۷ قانون اساسی می‌گوید راهپیمایی! باید ببینیم راهپیمایی را برای چه گذاشته‌اند. راهپیمایی در مورد انتخابات گذاشته‌اند؟! اصلاً به قول رهبری انتخابات گذاشتیم که راهپیمایی نباشد.

وی در پاسخ به این سؤال که آیا این شورش‌ها در پی نارضایتی از سیستم اتفاق افتاد؟ گفت: همیشه ممکن است عده‌ای فکر کنند یک چیزهایی غلط است. مثل همه شورش‌های غلطی که در دنیا اتفاق افتاده است. مجاهدین خلق در سال ۶۰ برای چه شورش کردند؟ آنها هم ناراضی بودند چون به سهم خود راضی نبودند. بحث بر نارضایتی نیست. من نمی‌گویم مطالبی که مهندس در ذهن داشتند یا مطرح کردند مثل تخلفات قبل از انتخابات همه غلط بوده و نارضایتی نبوده یا مبنای صحیحی نداشته است. اما شکل بروز شورش‌های اخیر نشان می‌دهد این شلوغی‌های اخیر را یک گروه از طریق اینترنت سازماندهی کرده و مردم را بیرون آورده است. ما از افغان‌ها هم کمتریم که وقتی عبدالله عبدالله با کرزای اختلاف دارد، به طرفدارانش می‌گوید که بیرون نیایید. در هر انتخاباتی یک عده کم هستند یک عده زیادند. کسانی که شکست خورده‌اند بیرون بیایند که چه بشود؟ تفاوت درون سیستمی با بیرون سیستمی همین است. یعنی الگور وقتی احتمال دخالت بوش در انتخابات را داد و هنوز هم این تشکیک وجود دارد، حتی یک کلمه هم علنی نمی‌گوید که تقلب شده‌است بلکه قانوناً آن را پیگیری می‌کند. اینجا هر چه شورای نگهبان، راه آمد با آنها، نپذیرفتند. ضد سیستمی این است که ساختار را نمی‌پذیرد. اگر اصول را بپذیرد دیگر کاری ندارد که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر است یا امام. چون قبول ولی‌فقیه در کل و انتخاب قانونی و درست آن اصل است. این مبنایی است که تا همین الآن هم بر سر آن نزاع داریم. در سالهای ۷۶ تا ۸۴ داشتند اسلام را حذف می‌کردند. ولایت فقیه را حذف می‌کردند. یک عده‌ای این کار را می‌کردند. دست خودشان بود، شعار می‌دادند و امروز هم در راهپیمایی هایشان شعار می‌دهند. اینها شعارهای ضد سیستمی است. البته آقایان می‌گویند که ما مخالفیم اما وقتی در راهپیمایی‌هایی که شعارهای ضدسیستمی می‌دهند شرکت می‌کنند در واقع در عمل تأیید می‌کنند و مسئول همه اینها هستند. قبل از این که از وزارت کشور اجازه بگیرید اعلام کردید که ساعت ۲ راهپیمایی داریم. ساعت ۲ هم مردم می‌آیند. بعد شما اعلام می‌کنید نه نداریم. دیگر عملاً مردم آمده‌اند. طبیعی است، من هم به عنوان طرفدار یک نامزد اگر می‌دیدم که نامزدم فعالیت می‌کند، من هم فعال می‌شدم. از مردم توقع نیست همه اینها را دقیقاً بفهمند ولی از آدمهای سیاست متوقعیم که وقتی می‌گویند این چهار اصل را قبول داریم، قبول کنند.

وی در پاسخ به این سؤال که چگونه بر سر مفاهیم اساسی می‌توان به تفاهم رسید، گفت: به جز بر سر اصول سیستمی و در اینجا آن چهار اصل اساسی بر سر دیگر مفاهیم نمی‌توان به تفاهم رسید. اساساً یکی از دلایل اختلاف میان آدمها و جریانات سیاسی این است که بر سر دیگر اصول فرعی اختلاف دارند. هیچ سیستمی نمی‌تواند نظر همه مردم را تأمین کند و به همه پاسخگو باشد. مشکل کشور ما مشکل نخبگان ماست. نه این که سیستم مشکلی نداشته باشد، سیستم هم باید اعتمادسازی کند ولی بخشی هم مربوط به نخبگان ماست که تحمل شکست را ندارند.

برای برون رفت از وضعیت باید طرف‌های مختلف هر کدام سهم خطای خود را بپذیرند. نه در دیدارهای غیرعلنی، بلکه در صحنه عمومی. من به نظرم می‌رسد که این طرفی‌ها تا حدی سهم خطای خود را پذیرفته‌اند. آنها در برابر دستورات رهبری در مورد خطاهایشان تمکین کرده‌اند. مثلاً راجع به بعضی افرادی که جان باخته‌اند، قبول خطا کردند و یا دستور تعطیل کردن کهریزک و محاکمه افراد مسئول را پذیرفتند... آن طرف هم باید از رهبری اطاعت کند و سهم خطای خود را بپذیرد و مرزبندی خود را با اصول اساسی روشن کند تا زمینه فعالیت‌های بعدی و وحدت فراهم شود.

آگهی‌های ترحیم و تسلیت

جناب آقای مهندس سعید مهتدی
مدیرعامل محترم شرکت توربو کمپرسور نفت
با نهایت تأسف و تألم درگذشت **والده مکرمه** را به جنابعالی و خانواده معظم تسلیت عرض نموده و از خداوند رحمان علو درجات آن مرحومه و برای بازماندگان صبر جمیل مسألت می‌نماییم.
روابط عمومی شرکت طراحی مهندسی

جناب آقای
مهندس ابراهیم حریری
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت والده گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت داریم.
احمدوند، ملازاده، رجب‌پور، حسین‌نژاد

مرکز پذیرش آگهی های
ترحیم، تسلیت، یادبود، سپاسگزاری
روزنامه ایران(حتی ایام تعطیل)
نمابر: ۳۳۷۵۶۶۸۳
تلفن پذیرش نمایندگی بهشت زهرا: ۳۳۷۴۲۰۶۴ - ۳۳۷۴۶۷۴۲
تلفن پذیرش سازمان: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱
تهران: شماره تماس ۱۸۷۷

تشکر و سپاسگزاری
بدین وسیله از کلیه عزیزان و همشهریان گرامی که در مراسم تشییع، تدفین، ختم و شب هفت پدر عزیزمان مرحوم منوچهر اصلانی شرکت نموده و با حضور خود، پیام تسلیت، با تلفن و یا فکس و ارسال پلاکارد موجبات همدردی سایر بازماندگان را فراهم نموده‌اند تشکر و قدردانی نموده و از خداوند متعال برایشان طول عمر آرزومندیم.
خانواده مرحوم